

# "یک پیشخدمت لایق"

مترجم :

Akane

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

F\_S\_S12

کلینر :

Mika Nozen

تایپیست :

لاکس



@Flaxen\_Guys



@Flaxen\_Guys



@FlaxenGuyss

وہ وہ ویش

بارش برف

بارش برف

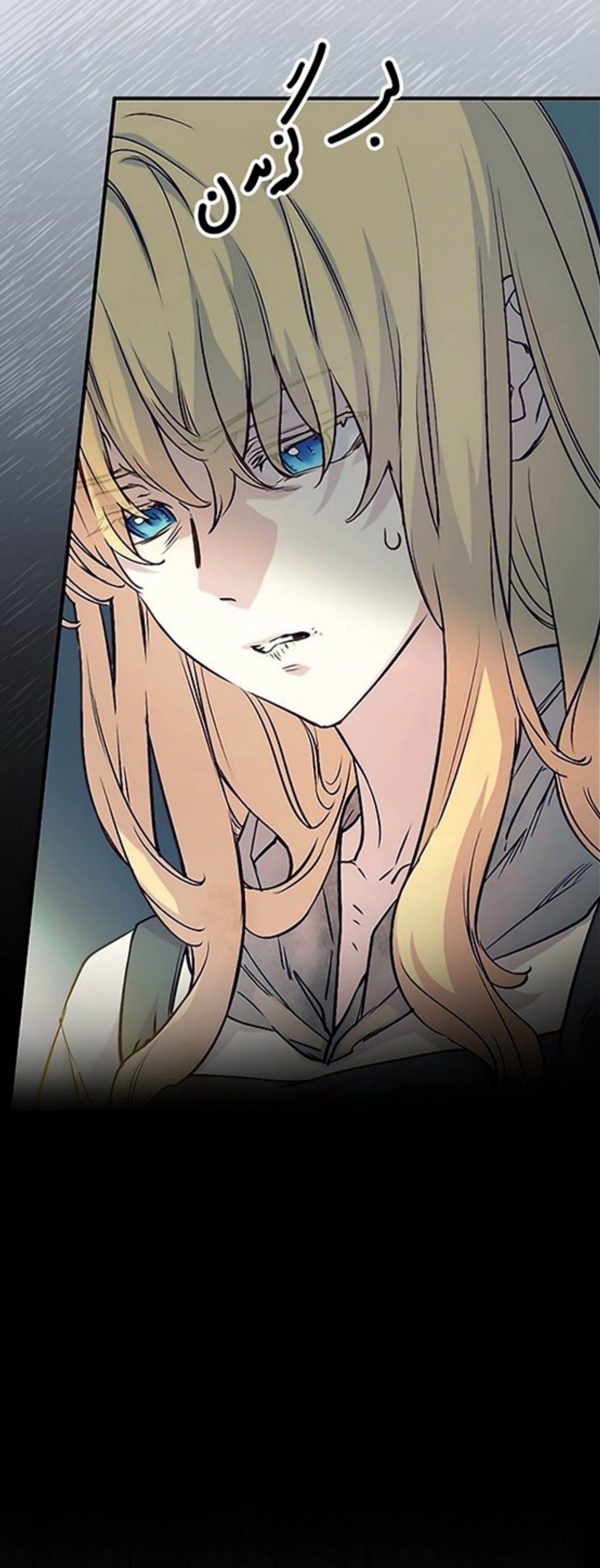
بارش برف

شمال امپراطوری،  
رودخانہ کی یوت۔



جاس برف

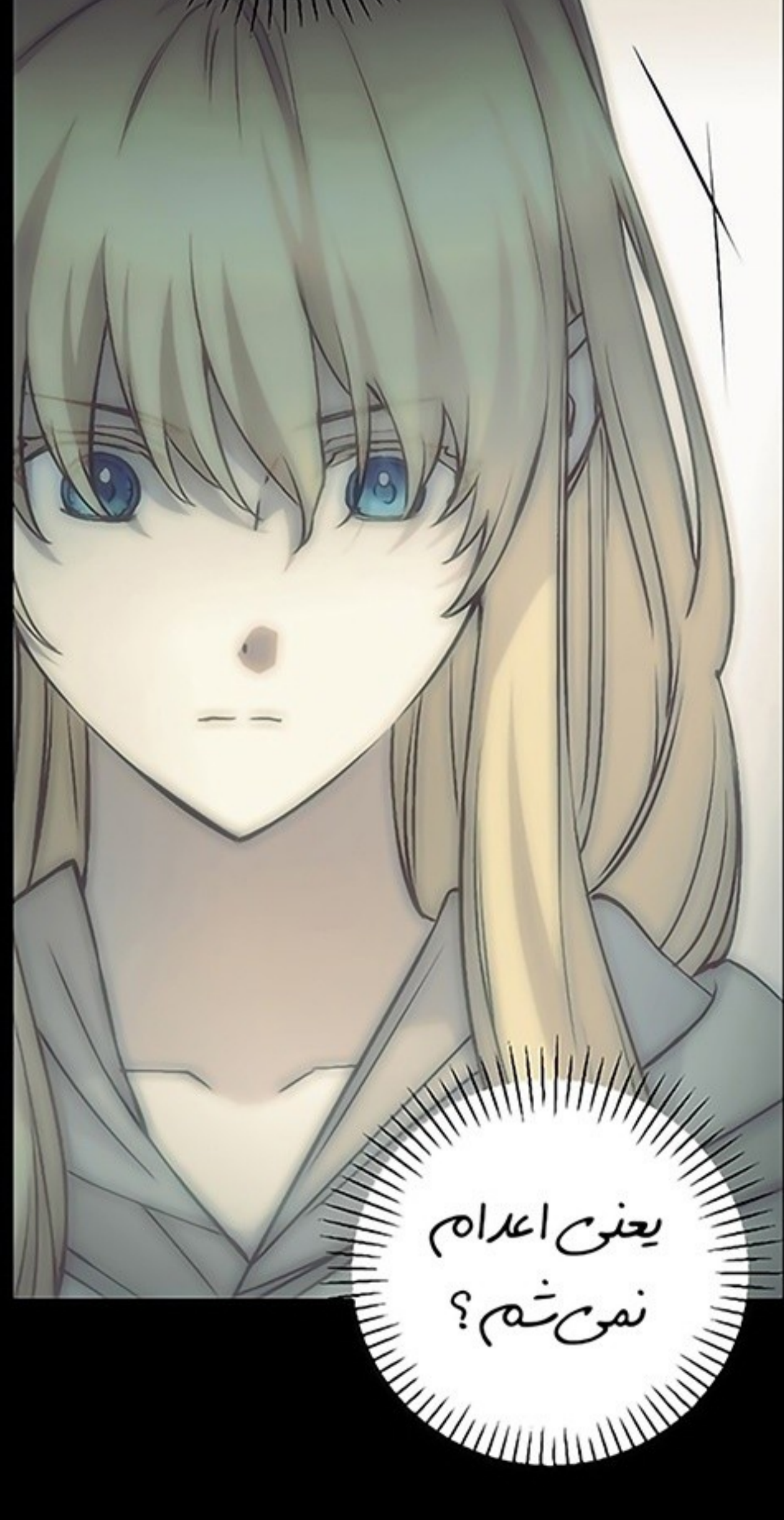




ریچل گناهکار  
رو تا آخر عمرش تو  
برج تاریک زندانی  
کنید.



زندانی؟



یعنی اعدام  
نمی‌شم؟

فلش بک

هر چی  
باشه... از من  
بستره...!

افتادن

ظاهر شدن

نون...؟!!

باند شدن

پریا



گفتنی

بیوقوف

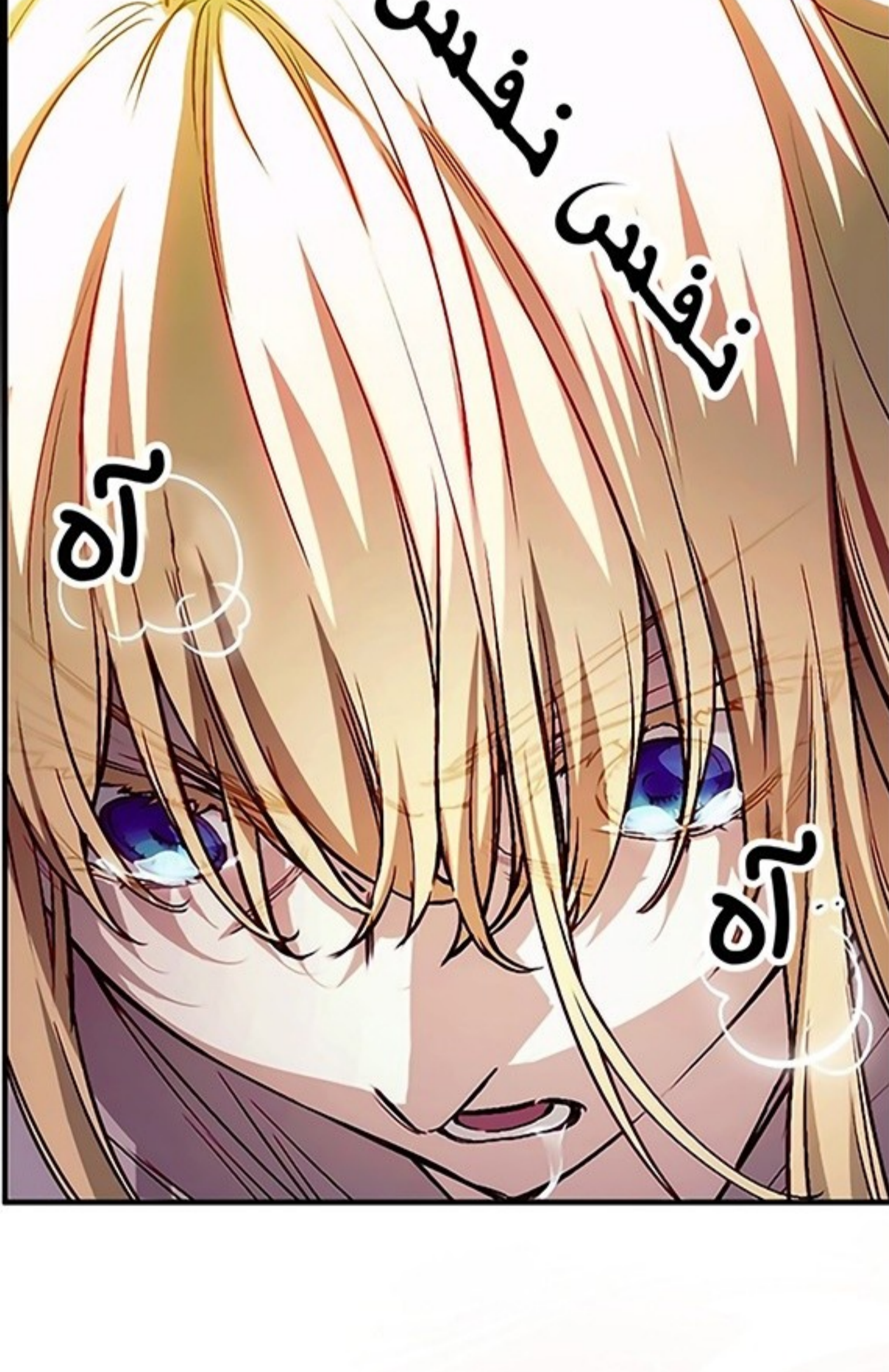


بے خوف و گھبراہٹ

کارتون



بالا آوردن  
اقتادن



گفتنی

گہ

گہ

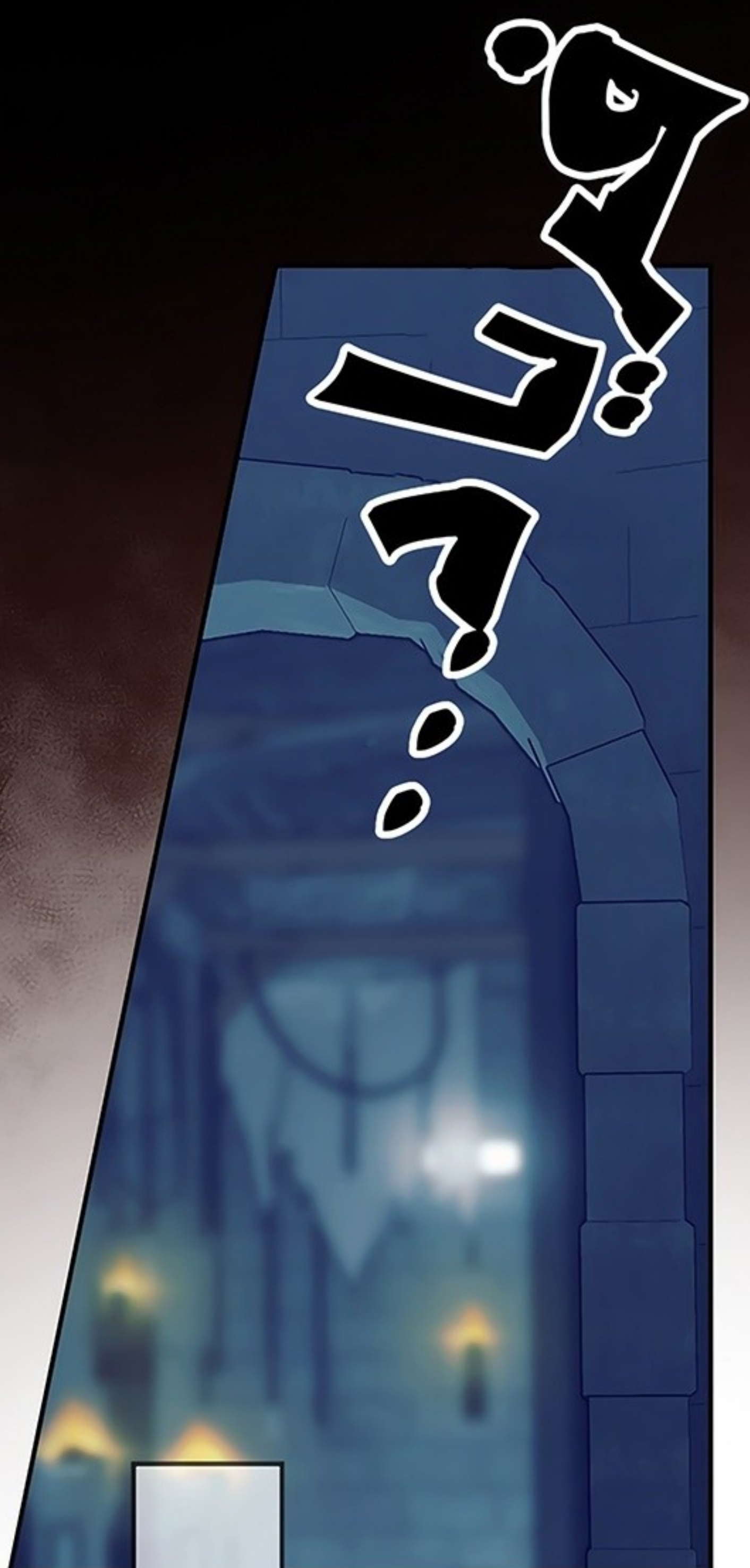




دو تا  
انتخاب بیشتر  
نداری.

هرگز.

یا مجازاتی  
بدتر از هرگز.



يك پيشخدمت لايق

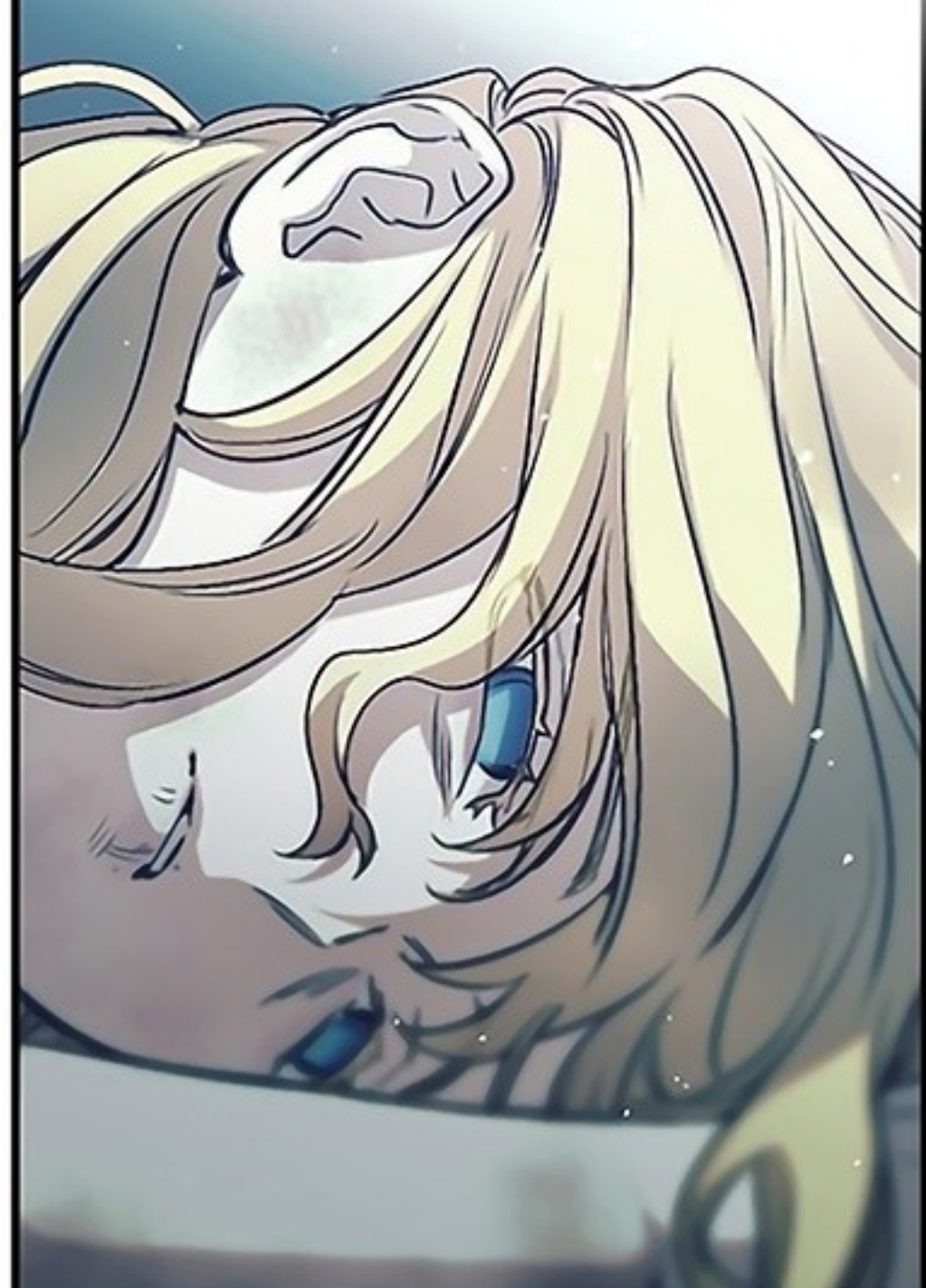
# 능력있는 시녀님

طراح: sanho نویسنده: yuin



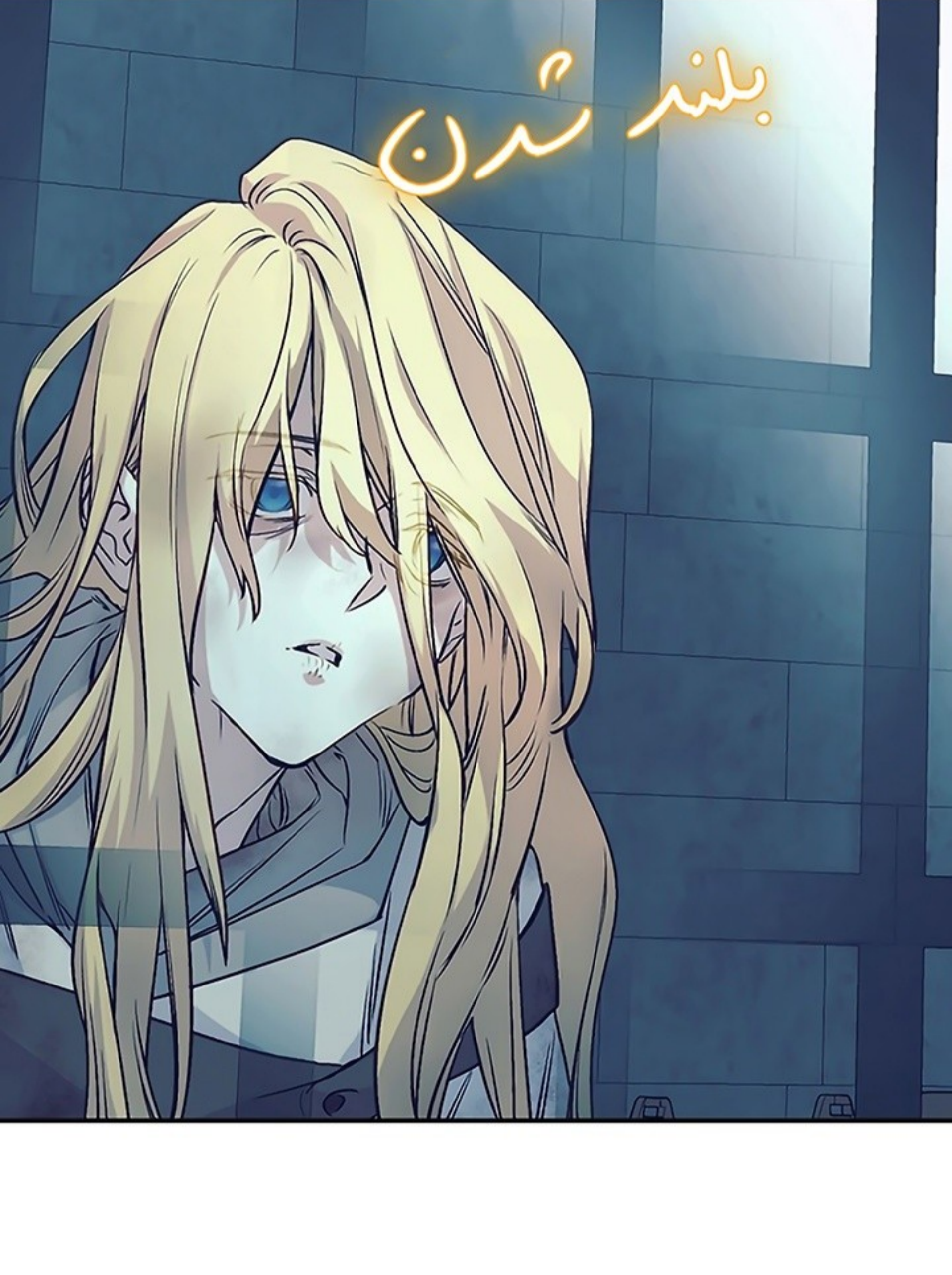
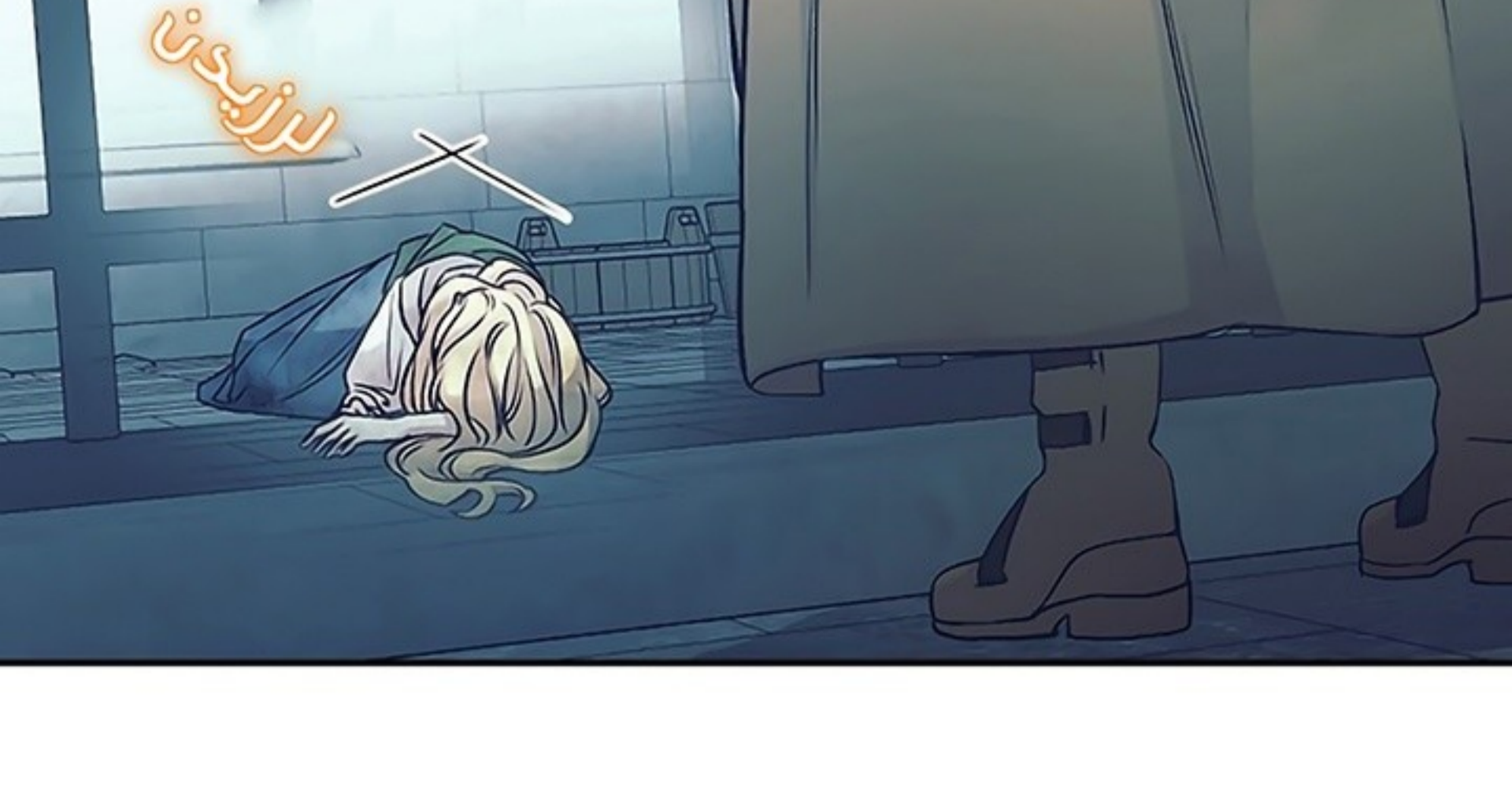
نفس

نفس





زمان زیادی  
می‌گذره.



آ...



آب...!



می‌خوای  
زنده بمونی؟

پرسیدم  
می‌خوای زنده  
بمونی؟



اگہ جوابم  
رو درست بدی، کاری  
می‌کنم بقیہی عمرت  
رو راحت‌تر توی این  
برج بگذرونی.



سوالتون  
چیہ؟

رفیقہ



کی بہت  
دستور داد این  
کارو بکنی؟

!....



خب مثل  
اینکه نمی‌خوای  
جواب بدی.

تو کاشتن

!!

نه.

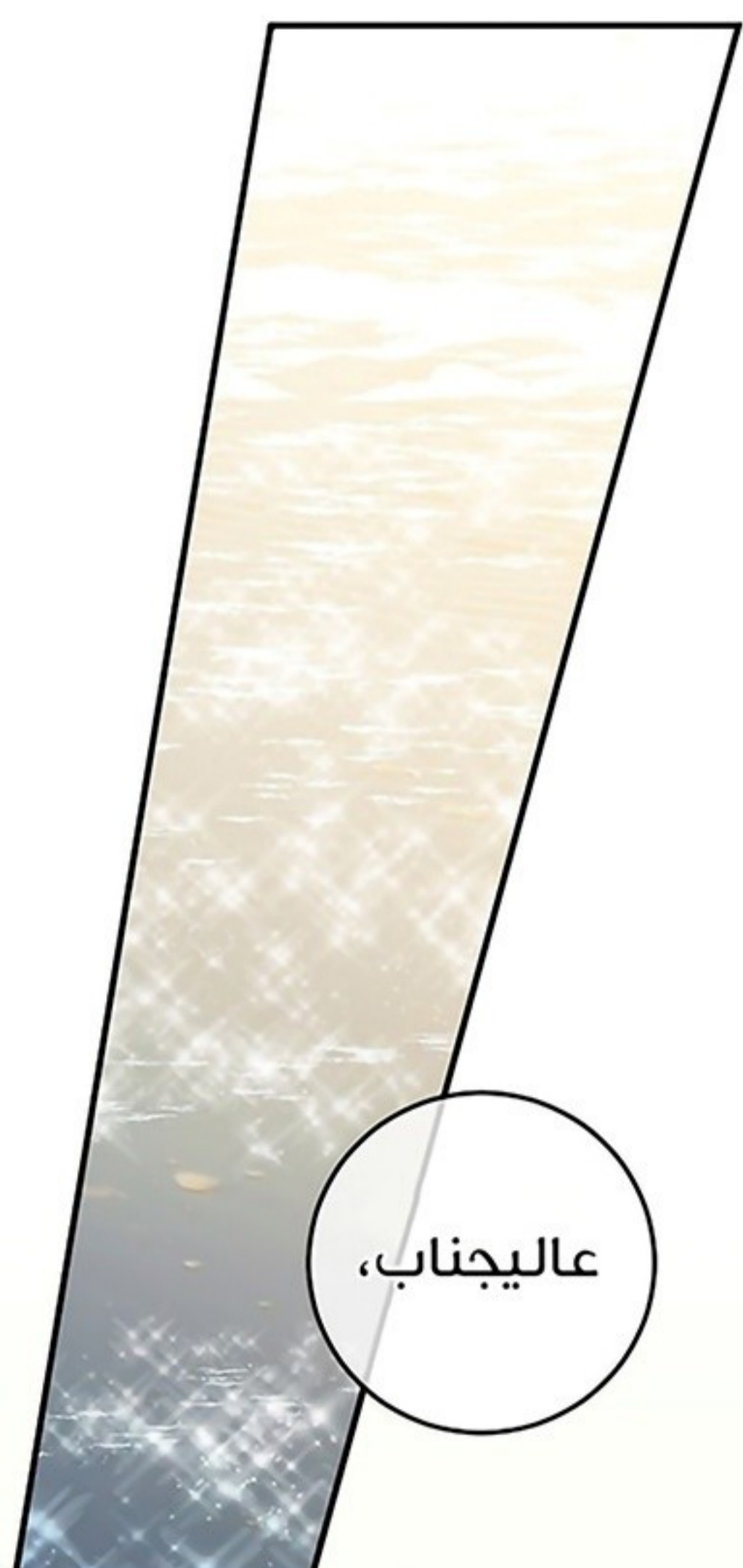
جواب  
می‌دم!

کسی که  
بهم دستور داد این  
کارو بکنم...

امپراطور  
امپراطوری غربی  
بود.

یوهانس  
سوم.






عالیجناب،



می‌خواید با  
کنت ایستاون چی‌کار  
کنین؟



ارتباط داشتن  
با امپراطوری غربی  
خیانت بزرگیه.



اگه همین  
طوری ولش کنیم  
ممکنه تبدیل به تهدید  
بزرگی بشه.

هیچ کاری  
نمی‌کنیم.

اگر حواسمون  
جمع باشه، چیزی  
پیش نیاد.



تر لرزش  
تر لرزش

اگر استفاده  
از شو بلد باشیم،  
به موقع می‌تونیم  
به نقطه ضعفش  
حمله کنیم.



ولی چرا...

اونا جام  
مقدس رو  
دزدیدن؟

درون  
سنگ



به خاطر  
کلویان.

# کلویان

امپراتوری  
شرقی

امپراتوری  
غربی

اگه جام  
مقدسو داشته  
باشن، قدرت دست  
اونا میفته.

بابر کلویان رو هر چه زودتر  
از هرج و مرج دور کنیم...



کلویان.



دختر مقدس  
ناشناس.

فرشتهی  
قصر.

... ماری.

من گذاشتم ریچل زنده بونه.


نه از روی دلسوزی.

من فقط می خواستم  
این کارو بکنم.

ووش

آه می تونستم بکم بخت  
تزدیک شم، فقط بکم...

این همه چیزه که  
من می خواهم...

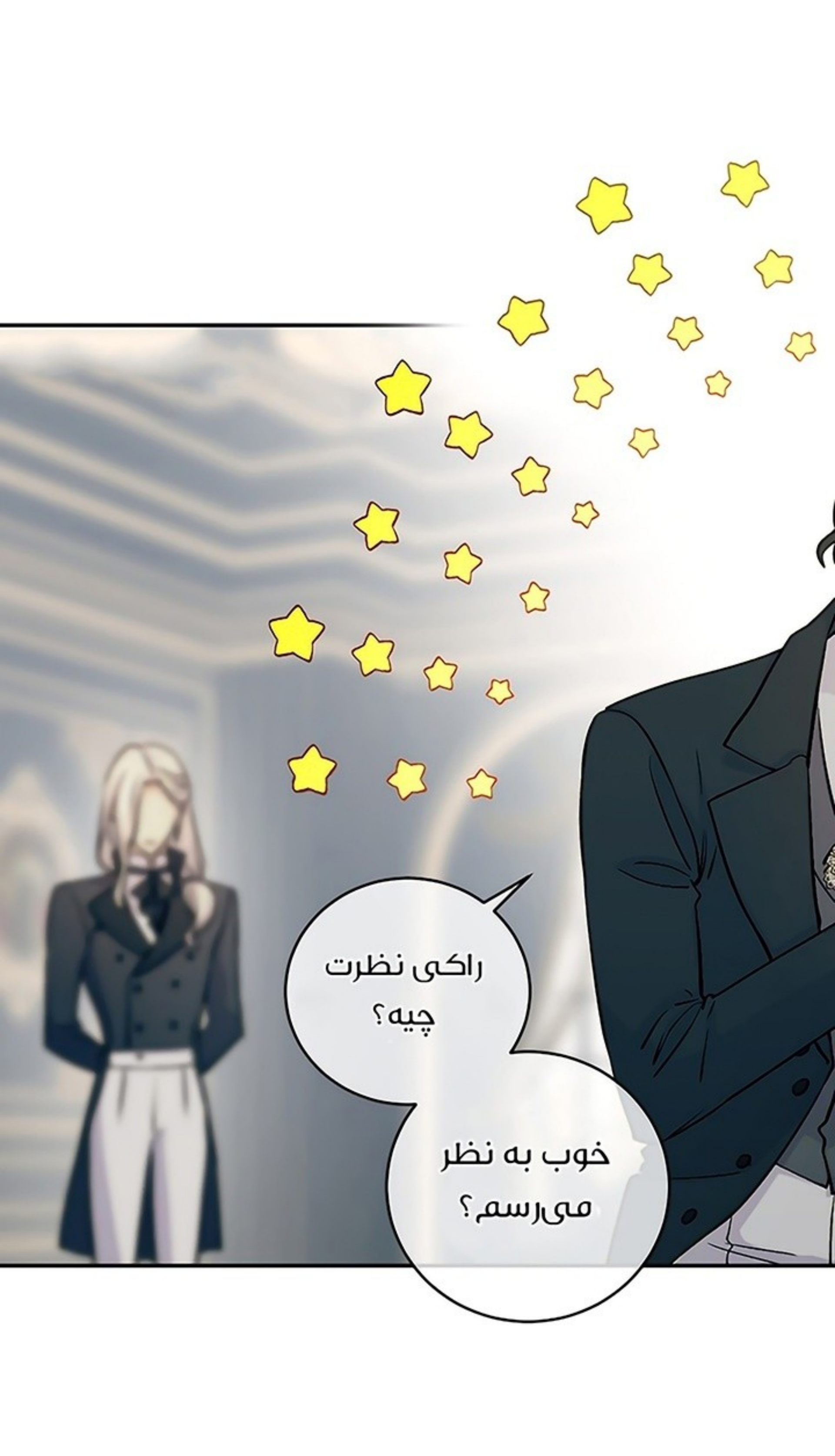


من فقط به خاطر تو  
بیش رحم کردم.

روح گناهکار من از وقتی  
که تو رو ملاقات کردم به  
تدریج تغییر کرده.

دعای کفم خدا برای ما،  
آینده‌ی خوشی رو کنار هم  
نوشته باشه.

مرز غربی  
امپراتوری شرقی



راکی نظرت  
چیه؟

خوب به نظر  
می‌رسه؟

درست مثل  
همیشه.



ثوی ذوق  
خوردن

غنی شه با صداقت جوابو بدهی؟

جادوی  
بازگشت واقعا  
شگفت‌انگیزه،  
مگه نه؟

کاملا  
یه آدم دیگه  
شدم.



این واقعا  
فوق‌العاده است،  
نه؟

بله!  
فوق العاده ست،  
اعلی حضرت!

به من نگو  
اعلی حضرت

باید منو  
کنت کاتالاک  
صدا بزنی.

\*Earl Catalac

مترجم: این همش این ور  
اون ور پلاسه کی به امور  
کشورش می رسه??

زیادی  
هیجان زده  
نیستید؟

می‌دونی  
که...

چقدر  
دلم برات تنگ  
شده.



برای من

این بار  
دیگه میارمش  
اینجا.



کلید  
نقشه‌ی  
ما،

شاهزاده  
مورینا،

نه، ماری.

امپراطوری  
شرقی هنوز از  
هویت واقعیش  
بی‌خبره؟

بله، من  
تمام شواهد رو  
از بین بردم.

به علاوه، الان  
که نقشه‌ی دزدی جام  
مقدس شکست خورده،  
ردی نمی‌مونه.

وزیر ما واقعا  
باهوشه.

همه‌ی اینارو  
از شما یاد گرفتم،  
سرورم.

**شانه بالا  
انداختن**

کنت راکي د استورن،  
نخست وزير امپراطورک  
غربي، ارباب دست‌هاک  
پشت پرده.

\*Earl Raki De Storn

خب،  
پس بيا شروع  
کنيم.

اعليحضرت،  
لطفاً يادتون نره  
شما کار مهم‌تری  
هم داريد!

چه کار مهمتر  
از اينکه ما را مال  
من بشه؟

**اعليحضرت...!!**

می‌دونم،  
می‌دونم. داشتم  
باهات شوخی  
می‌کردم.

خب بزن  
بريم به امپراطوری  
شرقی!



همزمان من  
هم نقشه‌مون رو  
عملی می‌کنم.



불편금지!

[ 농시 독자님 ]

불법으로 캡처해서 무단공유 또는

유포하지 말아주세요!

스포자제!

[ 농시 독자님 ]

댓글에 악작 소설 스포일러를

자제해주세요!

CARROOON

부장 김선미 • 팀장 전미현  
메인 PD 김선미, 김연재 • 편집 하깅  
채색 도움 캐롯툰, 깨술술 • 선화 도움 고대토끼

